

نشریه علمی - پژوهشی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال ششم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۸۴-۱۵۵

مفاهیم نمادین تعلیمی در مهمترین داستان های آموزشی و تربیتی کودک در دهه هشتاد

دکتر محمود صادقزاده* - سهاد صایغ**

چکیده

نماد پردازی در ادبیات کودک و نوجوان از اهمیت ویژه ای برخوردار است و سبب می شود تا بسیاری از مفاهیم اخلاقی و فرهنگی به آسانی و غیر مستقیم به کودکان انتقال یابد. در این جستار به شیوه توصیفی و تحلیلی، به طبقه بندی، ارزیابی کمی و بررسی انواع نمادهای به کار رفته در ۹ داستان آموزشی و تربیتی کودک در دهه هشتاد پرداخته می شود. ابتدا این آثار بازخوانی، خلاصه نویسی و به لحاظ نوع داستانی و موضوعی و کاربرد نمادین طبقه بندی شده، سپس انواع نمادها استخراج، تقسیم بندی و بسامد مضامین آن ها تحلیل و بررسی شده است. از ۶۴ نماد بررسی شده، نماد واژه ای با فراوانی ۵۴ و نماد شخصی با فراوانی ۶۴ و نماد انسانی (مثبت) با فراوانی ۲۵ بیشتر

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir
** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد sohadsayegh@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۹۳/۶/۸

تاریخ وصول ۹۳/۱/۳۱

استفاده شده است. در داستان‌های یاد شده، علاوه بر کاربرد نمادهای تقویت حس اعتماد به نفس و شناخت استعدادها و آموزش مسائل دینی، نمادهای مفهومی حرکت، تغییر، تقویت هوش و دانایی، به ویژه در داستان «چه کسی پنیرم را برداشت؟» با بسامد ۱۰۰ و نمادهای شناخت ویژگی‌های شخصیتی، تمرین شکوفایی توانایی‌ها، اراده و پشتکار، به ویژه در داستان‌های «راز موجود عجیب» با بسامد ۶۵ و «تَرس بَد آست» با بسامد ۶۰ بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی

نمادپردازی، داستان کودک، مضامین اخلاقی، تربیتی، آموزشی.

۱- مقدمه

۱-۱- اهمیت و بیان مسأله: نماد شیوه‌ای غیر صریح است که نویسنده با استفاده از آن، موضوعی را تحت پوشش موضوعی دیگر و چیزی را بر حسب چیز دیگر عنوان می‌کند و صحنه‌ها و مفاهیمی را با توسل به نشانه و نمونه پیش می‌کشد (میرصادقی، ۱۳۹۰: ۵۴۳). زبان تمثیلی، نمادین و بیان سوررئالیستی و توأم با حرکت سیال ذهن، هنری تر است اما به شرط نرفتن به وادی آشفتگی و پیگیری منطق خاص بیان تمثیل و سمبل و سوررئالیسم (رحماندوست، ۱۳۶۶: ۵۷-۵۴). نماد کلمه‌ای است که معنایی فراتر از جنس خود و حتی شاید معنایی غیر از جنس خود روایت کند. گاهی اوقات هر چه بر مفهوم نماد تأمل شود، پیچیدگی و ابهام آن بیشتر می‌شود تا حدی که مفسر را در برابر معناهای متفاوت و متناقض قرار می‌دهد که این خود از ویژگی‌های رمز است (نظری دارکوبی، ۱۳۹۱: ۲۷).

بنابراین، نماد چیزی است که به جای چیز دیگر قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر،

چیزی است که معنای خود را بدهد و جانشین چیز دیگری بشود یا چیز دیگری را القا کند؛ مثلاً وقتی می‌گوییم «گل سرخ»، منظور همان گل سرخ است اما همین لفظ علاوه بر مصداقی که در دنیای خارج دارد، مفهومی بیش از لفظ و مصداق خود را در ذهن ما تداعی می‌کند؛ مثلاً ما را به یاد جوانی و زیبایی و عشق و محبوب می‌اندازد یا «شب»، غیر از تاریکی، «نماد» خفقان و دیکتاتوری نیز هست. در واقع، در نمادگرایی از محسوس و عینی، مفهوم نامحسوس و ذهنی را اراده می‌کنیم. نمادها غالباً به سه شکل عمده در داستان ظاهر می‌شوند:

(۱) نمادهای طبیعی (natural symbols) نمادهایی مشابه هستند که چیزی فراتر و جامع‌تر از خود را نشان می‌دهند. مثل «گل سرخ» که ذاتاً زیباست اما مفهومی عالی‌تر از زیبایی را منعکس می‌کند. یا زالو که کرمی خونخوار است و معنایی فراتر از خودش را القا می‌کند (جنایتکار و نزول خوار).

(۲) نمادهای مستور (private symbols) نام دیگر این نمادها، نمادهای شخصی است که معنای خود را فقط در خلال داستان ظاهر می‌سازند و عموماً برداشت واحدی از آن‌ها نمی‌شود و مورد پذیرش همه به صورت یکسان نیستند؛ مانند موجود اثیری در برابر زن بدکار که نماد مستوری را ارائه می‌دهد و به علت پذیرش نسبی آن در ادبیات ما، امروزه نماد زن پاکیزه خو و رویایی به حساب می‌آید.

(۳) نمادهای مرسوم (conventional symbols) اگر نمادهای اختصاصی یا مستور جنبه همه‌پسند و عمومی پیدا کنند و همه مردم آن‌ها را مورد استفاده قرار دهند، به آن‌ها نمادهای «مرسوم» می‌گویند؛ مثلاً بلبل که نماد عاشق شیدا و دل‌سوخته است یا جغد که نماد شومی است یا بهار که نماد زندگی و رویش و آغازی دوباره است. در این مقاله، تقسیم‌بندی جزئی‌تری نیز به شرح زیر روی نمادهای مذکور صورت گرفته است:

(۱) نمادهای انسانی (Human symbols): نمادهای که شخصیت های سازنده آن ها انسان باشند؛ برای مثال، یک شخصیت در داستان می تواند نماد تمام پدران منطقی و دلسوز باشد. پس این شخصیت، یک نماد واژه از نوع طبیعی و انسانی است و از طرفی چون نقش مثبت را ایفا می کند، پس یک نماد واژه از نوع طبیعی و انسانی مثبت است.

(۲) نمادهای گیاهی: (Vegetable symbols) نمادهایی که شخصیت های سازنده آن ها، گیاهان باشند؛ برای نمونه در یک داستان، یک گیاه، نماد ایثار و فداکاری است. پس این گیاه، یک نماد واژه از نوع شخصی و گیاهی (مثبت) است.

(۳) نمادهای حیوانی (Animal symbols): نمادهایی که شخصیت های سازنده آن ها، حیوان ها باشند. برای نمونه، یک کلاغ در یک داستان دزد است؛ پس در این داستان کلاغ یک نماد واژه از نوع مرسوم و حیوانی است. حتی می توان گفت از آنجا که نقش منفی دارد، این کلاغ یک نماد واژه از نوع مرسوم و حیوانی منفی است.

(۴) نمادهای مادی (Material symbols): یک انگشتر، یا یک حلقه یا هر چیز مادی دیگر که در سه دسته بالا (انسانی، گیاهی و حیوانی) قرار نگیرد و قابل دیدن و لمس باشد، از دسته نماد مادی است. برای نمونه، پرچم در یک داستان نماد واژه از نوع مرسوم و مادی است.

(۵) نمادهای ماورایی واقعی (Real paranormal symbols): ایفا کننده نقش این نمادها، وجود دارد ولی قابل دیدن و لمس پذیر نیست؛ برای مثال جن، فرشته، قصه، سفر و... در این گروه قرار می گیرند.

(۶) نمادهای ماورایی غیر واقعی (Unreal metaphysical symbols): اژدها، غول، دیو و جز آن که وجود خارجی ندارند، در این زیرشاخه قرار می گیرند.

۱-۲- پیشینه تحقیق: هرچند در زمینه انتشار، تحقیق، نقد و بررسی و تألیف در حوزه ادبیات کودک و نوجوان فعالیت های نسبتاً سودمند و مؤثری در سال های اخیر

صورت گرفته است اما درباره بررسی نمادپردازی داستان‌های تعلیمی کودک و نوجوان در دوران پس از انقلاب، به ویژه در دهه هشتاد تحقیق مستقل و کاملی با شیوه توصیفی، تحلیلی و بر اساس ارزیابی کمی پدید نیامده است. با این حال، منابع زیر در این زمینه قبل ذکر است:

- «گذری بر ادبیات کودکان و نوجوانان قبل و بعد از انقلاب» مشتمل بر چهارده مقاله و یادداشت، نقد سی و نه کتاب و یک فیلم نامه از سی نویسنده، از محمدرضا سرشار (۱۳۸۸، تهران: انجمن قلم ایران). سرشار در این کتاب در موارد مرتبط به پژوهش حاضر، به نتایج ذیل رسیده است: الف- ادبیات کودک و نوجوان بعد از انقلاب رشد خوبی داشته است؛ ب- نمادگرایی در این حوزه ادبی کاهش یافته است.

- پایان نامه «نماد پردازی جانوران در ادبیات کودکان بر اساس کتب منتشر شده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (گروه سنی الف، ب، ج)، از فرزانه مظفریان و افسانه حسن زاده، دانشگاه آزاد اسلامی فیروزآباد، ۱۳۸۹.

- «نشانه شناسی شعر کودک» از فریده داودی مقدم، استادیار دانشگاه شاهد، در «گلبانگ سربلندی، چکیده مقالات پنجمین گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی» که ۲۴ تا ۲۶ شهریور ۱۳۸۹ در دانشگاه یزد برگزار گردید.

۱-۳-روش کار: در این مقاله به شیوه توصیفی و تحلیلی به طبقه بندی، مقایسه و سنجش و ارزیابی کمی انواع نمادهای به کار رفته در آثار مذکور، پرداخته شده و در کند و کاو و بررسی هر اثر داستانی، از روند ذیل تبعیت شده است: ۱- انتخاب آثار داستانی از نه نویسنده در حوزه کودک و نوجوان دهه ۸۰؛ ۲- ارائه خلاصه هر داستان؛ ۳- بررسی و طبقه بندی انواع نمادها و مفاهیم موجود در داستان‌ها؛ ۴- ذکر توضیحات و نکته‌های مفید مربوط به هر اثر داستانی؛ ۵- استخراج مفاهیم تعلیمی هر داستان؛ ۶- طراحی جدول‌های جمع بندی انواع و مفاهیم نمادها؛ ۷- تحلیل و بررسی و ارزیابی داده‌ها از طریق جدول‌ها.

۲- بحث

آموزش مهارت های زندگی به شکل پایه‌ای و از سنین کودکی رابطه مستقیمی با موفقیت فرزندان دارد. مهارت‌های زندگی، عملی است که می‌توان با صرف سال‌ها زندگی و از طریق تجربه آن را کسب کرد و هم می‌توان آن را از طریق مطالعه و کسب دانش به دست آورد. در روش اول مشکلات فراوانی برای فرزندانمان ایجاد می‌شود ولی در روش دوم، آن‌ها در تجربه زندگی دیگران و دانش کارشناسان علوم انسانی و اجتماعی شریک می‌شوند، یاد می‌گیرند بهتر زندگی کنند و کمتر آسیب ببینند و به عبارتی، «ره صد ساله» را در «کوتاه ترین» مدت بیمایند.

داستان های اخلاقی، تربیتی، بهداشتی، روان شناسی و آموزشی کودکان نیز مثل افسانه‌های تمثیلی گاهی از خصوصیت‌های تمثیلی برخوردارند اما شخصیت‌های آن مردمانند و گاهی حیوانات. حکایت‌های اخلاقی که برای ترویج مسائل اخلاقی، تربیتی، بهداشتی، روان شناسانه و آموزشی نوشته شده، قصه‌های ساده و کوتاهی است که حقیقت‌های کلی و عام را تصویر می‌کند و ساختار آن نه به مقتضیات عناصر درونی خود بلکه برای تحکیم و تأیید مقاصد مورد ذکر گسترش می‌یابد و این قصد و غرض معمولاً صریح و آشکار است. در این قسمت به بررسی نمادشناسانه مهم ترین داستان‌های کودک در زمینه آموزشی، اخلاقی و تربیتی پرداخته می‌شود.

۲-۱- آی حسنی چرا مسواک نمی‌زنی؟

نویسنده این داستان، محمدرضا صبوری متولد ۱۳۴۷، شاعر، نویسنده و ویراستار کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان است. از دیگر آثار این نویسنده می‌توان به «کاسه عسل و مرد خیاط»، «گل مراد و شرکت در مهمانی»، «هدیه ملا نصرالدین» و «دروغگو و خورشفت فسنجان» و بسیاری آثار دیگر اشاره کرد (www.ibna.ir).

۱. خلاصه داستان: حسنی یکی از کودکان ایرانی ساکن روستای قنبرآباد، از هر لحاظ

نمونه بود. معلّمش نیز از او راضی بود و آرزو داشت پسری مثل حسن داشته باشد؛ اما حسنی این قصّه یک عیب داشت؛ او دوست نداشت مسواک بزند و به نصیحت‌های مادرش که می‌گفت: «چرا بعد از غذا مسواک نمی‌زنی تا این اخلاق بد تو هم برطرف شود؟» گوش نمی‌کرد. یک روز دندان‌درد گرفت و تا صبح نخوابید. پدرش او را به نزد دکتر برد و دندانپزشک به حسنی گفت: «چون مسواک نزدی و به بهداشت دندان‌هایت توجه نکردی، دندان‌هایت کرم خورده و زرد شده‌اند.» همچنین گفت: «به نظر می‌رسد که تو پسر خوبی باشی، بنابراین شایسته نیست که دندان‌هایی زرد و خراب داشته باشی.» در نتیجه حسنی به نصیحت آقای دکتر گوش کرد و قول داد که بعد از هر غذا، دندان‌هایش را مسواک بزند.

۲. شخصیت اصلی: حسنی. ۳. شخصیت‌های فرعی: مادر حسنی، پدر حسنی، معلم، دکتر.

۴. نمادهای واژه‌ای و مفهوم آن: حسنی نماد کودک ایرانی که گاهی اوقات مثل همه کودکان مرتکب اشتباهاتی می‌شود؛ پدر حسنی نماد پدر ایرانی خیرخواه و نگران سلامت فرزند؛ مادر حسنی نماد مادر ایرانی خیرخواه، نصیحت‌گر و نگران سلامتی فرزند.

۵. نوع نمادهای واژه‌ای: حسنی: نماد مرسوم؛ پدر حسنی: نماد شخصی؛ مادر حسنی: نماد مرسوم.

۶. مفاهیم نماد عبارت: «کرم دندان» نوع نماد مرسوم، عامل پوسیدگی دندان، البته برای کودکان.

۷. نمادهای انسانی (مثبت): مادر حسنی، پدر حسنی.

۸. نماد انسانی متغیر: حسنی.

۹. نماد ماورایی غیر واقعی (منفی): «کرم دندان».

۱۰. نتیجه: این داستان اجتماعی است و از نماد در آن کمتر استفاده شده و هدف آن، تشویق کودکان به مساوات کردن است.

۲-۲- چه کسی پنیرم را برداشت؟

نویسنده این داستان، اسپنسر جانسون، یکی از محبوب ترین و یکی از نویسندگان بزرگ در جهان است. میلیون ها نفر از خوانندگان کتاب های او توانسته اند به سادگی با اعتماد به خود در شغل و زندگی به موفقیت و کامیابی دست پیدا کنند. او یکی از موفق ترین افرادی است که بارها برای پیچیده ترین موضوعات، راه حل های ساده و آسانی را معرفی کرده و به تنهایی و در بعضی موارد با همکاری «کن بلانچارد»، کتاب های موفق را به بازار عرضه کرده است. از معروف ترین آن ها «اولین فروشنده ی بزرگ دنیا» و «چه کسی پنیر مرا جابه جا کرد؟» را می توان نام برد. وی بعد از فارغ التحصیل شدن در رشته روان شناسی از دانشگاهی در جنوب کالیفرنیا، مقام M.D را از رویال کالج در ایرلند دریافت کرد و دستپاری پزشکی را در مایو کلینیک و مدرسه هاروارد مدیکال کامل کرد. حکایت های جانسون بدون هیچ گونه محدودیت زمانی توانسته است اعتماد بسیاری از خوانندگان کتاب هایش را جلب و شغل و زندگی میلیون ها نفر را در سراسر جهان متغیر کند (حیدری، ۱۳۸۹: thesecret4u.rozblog.com).

۱. خلاصه داستان: چهار دوست، به نام های «اسنیف»، «اسکوری»، «هم» و «هاو» هر روز صبح به دنبال پنیر جادویی می گشتند. آنان پنیرها را پیدا کردند، ولی دیدند که پنیرها کمتر و کمتر می شوند. «اسنیف» و «اسکوری» سریع تغییر کردند و تصمیم گرفتند به دنبال پنیرهای جدیدتری بگردند، ولی «هم» و «هاو» فکر کردند دزدی پنیرها را برداشته و عاقبت آنها را بر می گرداند؛ از این رو منتظر ماندند. «اسنیف» و «اسکوری» در راه پیدا کردن پنیرهای جادویی نوشته هایی بر روی دالان های پیچ در پیچ و تاریک می گذاشتند تا «هم» و «هاو» با کمک این یادداشت ها به پنیرها برسند. سرانجام

«اسنیف» و «اسکوری» به منبعی بزرگتر و خوشمزه تر از پنیرها دست پیدا کردند. «هاو» به «هم» گفت: انتظار فایده ای ندارد و به دنبال پنیرها رفت. ولی «هم» همچنان منتظر ماند. سرانجام با تأخیر چند روزه «هاو» نیز به پنیرها دست پیدا کرد و از اینکه زودتر تغییر نکرده بود؛ ناراحت شد و ناراحتی بیشتر او به خاطر «هم» بود که هنوز منتظر بود تا دزد، پنیرها را برگرداند و تغییر نکرد.

۲. شخصیت اصلی: اسنیف(موش)، اسکوری(موش)، هم(انسان)، هاو(انسان).

۳. نمادهای واژه‌ای: اسنیف، اسکوری، هم، هاو.

۴. مفاهیم نمادهای واژه ای: «اسنیف» نماد باهوشی و داشتن بینی حسّاس؛ «اسکوری» نماد باهوشی و تند و سریع دیدن... «آن‌ها باهوش بودند و هر بار که می‌خواستند به داخل یکی از دالان‌ها بروند، جای قبلی خود را به خاطر می‌سپردند... اسنیف بینی حسّاسی داشت... اما اسکوری تند و سریع می‌دوید...» (جانسون، ۱۳۸۳: ۸)؛ «هم» نماد عصبانیت، تغییرناپذیری و خوش‌باوری. «هم» وقتی دید در ایستگاه سی پنیرها تمام شدند، عصبانی شد (همان، ۲۴)؛ «هاو» نماد ترس، دودلی و تزلزل در تصمیم‌گیری.

۵. نوع نمادهای واژه ای: اسنیف: نماد شخصی؛ اسکوری: نماد شخصی؛ هم: نماد

شخصی؛ هاو: نماد شخصی.

۶. مفاهیم نمادهای عبارت: «پنیر جادویی» نماد شادی، خوشحالی و رسیدن به آرزوها: «جادوی پنیر این بود که هر کس آن را داشت، احساس شادی می‌کرد و خوشحال بود» (همان: ۶)؛ «نوشته‌های روی دیوار دالان‌ها، ص ۵۲» از شماره ۲ تا ۸؛ «وقتی پنیر داری خوشحالی»، نماد این که رسیدن به هدف، مایه خوشبختی است؛ «اگر نمی‌ترسیدی چه کار می‌کردی؟»، نماد شروع تغییر و تصمیم برای حرکت؛ «وقتی دیگر نترسی احساس خوبی خواهی کرد»، نماد تغییر؛ «هر چه پنیرت زودتر تمام شود

زودتر پنیر جدید را خواهی یافت»، نماد تلاش بیشتر و مضاعف همراه تغییر؛ «فکر کردن به پنیر جدید، کمک مهمی برای پیدا کردن آن است»، نماد این که اندیشیدن به خوشی های در انتظار، رسیدن به هدف را محقق خواهد کرد و از سختی های راه خواهد کاست. به قول معروف: «وصف العیش، نصف العیش»؛ «سعی کن پنیر را بو کنی تا بفهمی که کهنه شده است یا نه»، نماد این ضرب المثل که: «آب که یک جا بماند، می گندد»، تصمیمت را برای تغییر و حرکت، زودتر بگیر؛ «پنیرهای جدید را پیدا کن و از آنها لذت ببر»، نماد این که رسیدن به اهداف تازه تر، لذت بخش تر است.

۷. نوع نماد عبارت: تمام عبارات فوق، نماد شخصی هستند.

۸. نمادهای انسانی (مثبت): «هم». ۹. نماد انسانی متغیر: «هاو». ۱۰. نمادهای حیوانی (مثبت): «اسنیف» (موش)، «اسکوری» (موش). ۱۱. نماد مادی (مثبت): پنیر جادویی، «وقتی پنیر داری خوشحالی»، «هر چه پنیرت زودتر تمام شود، زودتر پنیر جدید را خواهی یافت»، «سعی کن پنیر را بو کنی تا بفهمی که کهنه شده است یا نه»، «پنیرهای جدید را پیدا کن و از آن ها لذت ببر». ۱۲. نماد ماورایی واقعی (مثبت): اگر نمی ترسیدی چه کار می کردی؟ «وقتی دیگر نترسی احساس خوبی خواهی کرد» «فکر کردن به پنیر جدید، کمک مهمی برای پیدا کردن آن است».

۱۳. نتیجه: در مقدمه و پشت جلد این کتاب از زبان نویسنده می خوانیم: «بسیاری از میلیون ها آدمی که در گوشه و کنار جهان، کتاب چه کسی پنیرم را برداشت؟ را خوانده اند، یک چیز می گویند: می گویند ای کاش وقتی جوان تر بودیم؛ داستان پنیر را می دانستیم! آیا بهتر نبود که از کودکی یاد می گرفتیم که چگونه با تغییرات برخورد کنیم تا موفق باشیم؟ چند سال پیش خانواده ما بیش از پنج هزار مایل راه پیمود و به سرزمین جدید با فرهنگ بسیار متفاوت رسید. چند ماه پس از آن که پسرها تحصیل خود را در یک مدرسه جدید شروع کردند، معلم ها از این که آن ها به راحتی خود را با

محیط تازه وفق دادند، شگفت زده شدند. آنان با مفهوم داستان چه کسی پنیرم را برداشت؟ بزرگ شده بودند و دیده بودند که تفاوت، می‌تواند لذت بخش باشد و چیز بهتری را برایشان به ارمغان می‌آورد. این داستان واقعاً به بچه‌ها کمک می‌کند تا تغییر کنند و پیروز شوند. خانواده شما ممکن است در حال گذر از تغییرات گوناگون باشد. در این صورت امیدواریم فرزندانان از خواندن این داستان لذت ببرند. اگرچه این داستان برای آن‌ها نوشته شده اما شما هم هر یک می‌توانید پنیر تازه خود را پیدا کرده، از آن لذت ببرید» (جانسون، ۱۳۸۳: ۶۱). نتیجه‌ای که به صورت نمادین از این داستان می‌توان گرفت آن است که برای تغییر و رسیدن به هدف، قوه تشخیص خوب مثل «اسنیف» و تند و سریع بود مثل «اسکوری» لازم است. در ضرب المثل‌ها نیز داریم: «از تو حرکت از خدا برکت».

۲-۳- چه کاری خوبه؟ چه کاری بد؟ احترام به والدین (بهباد قلانی)

بهباد قلانی متولد ۱۳۴۸، نویسنده حوزه کودک و نوجوان، در زمینه مضامین اخلاقی و تربیتی آثار با ارزشی دارد و می‌توان از جمله کتاب‌های «چه کاری خوبه؟ چه کاری بد؟» وی، علاوه بر موضوع «احترام به والدین» به موضوعات «اسراف کاری»، «صحبت در گوشی» و «دروغ گویی» اشاره کرد. در ادبیات تعلیمی کودک و نوجوان کتاب «بازرگان و مرد امانتدار» از دیگر آثار او است. کتاب‌های دیگری نیز از این نویسنده در زمینه ادبیات تعلیمی کودک و نوجوان به چاپ رسیده است.

۱. خلاصه داستان: احسان با پدر، مادر و خواهر و پدر بزرگ مریضش در یک خانه زندگی می‌کنند. پدر بزرگ اغلب در اتاق خود در حال استراحت است. احسان هر روز به عیادت او می‌رود تا این که احسان مریض می‌شود. با وجود مریضی احسان می‌خواهد به دیدن پدر بزرگ برود. مادر از این وضعیت ناراضی است و از پدر می‌خواهد تا پدر بزرگ را به خانه سالمندان ببرد. پدر شواهدی را از قرآن و پیامبر مبنی

بر مزایا و خوبی‌های نگهداری از سالمندان در محیط خانه را برای همسر و فرزندان خود می‌آورد و در نهایت مادر قانع می‌گردد. احسان نیز بهبودی می‌یابد و دوباره عیادت روزانه از پدربزرگ را از سر می‌گیرد.

۲. شخصیت اصلی: احسان ۳. شخصیت‌های فرعی: پدر، مادر، ندا خواهر احسان، پدربزرگ. ۴. نمادهای واژه‌ای: احسان، پدر، مادر و پدربزرگ. ۵. مفاهیم نمادهای واژه‌ای: احسان: نماد تمام پسران خوب و مهربانی که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های خود را دوست دارند و به آن‌ها احترام می‌گذارند. (قلانی، ۱۳۸۹: ۲-۹)؛ پدر: نماد یک انسان منطقی، متشّع، مهربان و قدرشناس. در قسمتی دیگر از این داستان می‌خوانیم او به دیدن زنی می‌رود که در دوران کودکی به او محبت و مهربانی کرده بود (همان: ۷)؛ مادر: نماد زنی غیر منطقی که از وجود پدربزرگ و مادربزرگ در خانه ناراضی است. متأسفانه از این قشر زنان، در اجتماع فعلی ما کم نیستند! (همان، ۱۰-۶)؛ پدربزرگ: نماد تمام انسان‌های کهن سالی که نیاز به محبت و قدرشناسی دارند (همان، ۵).

۶. نوع نمادهای واژه‌ای: احسان: نماد مرسوم؛ پدر: نماد مرسوم؛ مادر: نماد مرسوم؛ پدربزرگ: نماد مرسوم.

۷. نمادهای انسانی (مثبت): احسان، پدر احسان، پدربزرگ. ۸. نماد انسانی متغیر: مادر احسان. ۹. نتیجه: این داستان ساده، مسائل روز بیشتر خانواده‌ها را بیان می‌کند.

۲-۴- حسنی و شاپرک در بهشت گمشده

نویسنده داستان، مجتبی صادقی متولد ۱۳۵۳، شاعر حوزه داستانی ادبیات کودک و نوجوان است. از دیگر آثار او «هدهد و قصر آسمانی» و «ماجرای سفر حسنی به تخت جمشید» است.

۱. خلاصه داستان: حسنی با دوست خود شاپرک برای یافتن شهر شاه‌پریون - همان شهری که گندمزار دارد و بوی نان می‌دهد - راهی سفر می‌شوند و در راه به شهر

مروودشت می‌رسند که به دلیل وجود کارخانه قند آلوده است. آنان از آن شهر به سرعت عبور می‌کنند و سرانجام با راهنمایی شاپرک به بهشت گمشده می‌رسند؛ همان جایی که اوصاف بهشت را دارد و دل حسنی خوش می‌شود و دیگر بچه‌ها را به آن دعوت می‌کند. خداوند مهربان، این همه زیبایی‌ها را در آن بهشت به وجود آورده است.

۲. شخصیت اصلی: حسنی. ۳. شخصیت فرعی: شاپرک. ۴. نمادهای واژه‌ای: حسنی، شاپرک، مروودشت، باران، گل، چشمه. ۵. نمادهای واژه‌ای و مفهوم آن: حسنی: نماد کودک جستجوگر ایرانی؛ شاپرک: نماد هدایت‌کننده به سوی بهشت و خوبی‌ها و زیبایی‌ها. از طرفی فرشته‌ها پرواز می‌کنند و شاپرک نیز پرواز می‌کند. در این داستان، پروانه (= فرشته) در راهنمایی بندگان نقش یکسان دارند؛ مروودشت: نماد شهری آلوده به دلیل دود کارخانه قند و نماد همه شهرهای آلوده در اثر دود ماشین‌ها و کارخانه‌ها؛ باران: نماد از بین بردن آلودگی‌ها و شستن ناپاکی‌ها؛ گل، نماد لطافت و پاکی: «حسنی گله با دل پر × نگاهی کرد به شاپرک» (صادقی، ۱۳۸۶: ۴)؛ چشمه: نماد پاکی و روشنایی: «خنده هاشون تو آسمون × پاشون تو آب چشمه بود» (همان، ۷).
۶. نوع نمادهای واژه‌ای: حسنی: نماد مرسوم؛ شاپرک: نماد شخصی؛ مروودشت: نماد شخصی؛ باران: نماد طبیعی؛ گل: نماد طبیعی؛ چشمه: نماد طبیعی.

۷. مفاهیم نماد عبارت: «شهر شاه پریان» نماد روستاها و محیط پاک و عاری از آلودگی: «دو تا رفیق مهربون، یه روز زدن راه اومدن* دو یار پاک و بی کلک* به شهر شاه پریون* شهری که بوی نون می‌داد* تو دشت گندما ولو» (همان، ۲). این شهر گندمزار دارد و بوی نان می‌دهد، یعنی همان روستاها؛ «کارخانه قند» نماد بدی و عامل آلودگی شهر مروودشت و نماد تمام شهرهای آلوده به دلیل دود کارخانه‌ها و ماشین‌ها؛ «دلش گرفته بود: نماد خستگی و ناراحتی ناشی از آلودگی‌ها و در کل، یعنی مردم شهر از این آلودگی‌ها خسته و ناراحت بودند: «شهر بزرگ قهوه ای* اما دلش گرفته بود».

(همان:۳)؛ «صورتشو نهفته بود» نماد پنهان کردن چهره به دلیل ناپاکی؛ چیزهای ناپاک خود را از مقابل دیدگان پنهان می کنند. شهر به دلیل آلودگی، خود را در میان دود پنهان نموده است؛ البته در این جا به شهر مرودشت، شخصیت انسانی بخشیده شده است: «تو دود کارخانه قند» * صورتشو نهفته بود (همان:۳)؛ «تو چشم اون نوشته بود آهای کمک» نماد این که فریاد کمک برای رهایی از آلودگی ها را فقط از دهان نمی توان شنید بلکه می توان آن را در چشم التماس کننده ها دید و فریاد بی صدایشان را خواند؛ «دل پر» نماد دلی آکنده از ناراحتی و غمگینی: «حسنی گله با دل پر * نگاهی کرد به شاپرک * تو چشم اون نوشته بود * آهای کمک! آهای کمک!» (همان، ۴)؛ «شهر پر از دود نبین»: نماد چشم بستن بر ناپاکی ها: «شهر پر از دود نبین * می ریم بهشت گم شده» (همان:۵).

- بهشت گمشده، محله ای بیلاقی در نزدیکی های مرودشت شیراز است که به سبب داشتن ویژگی هایی بی نظیر بهشت گمشده نامیده شده است. این محل بیلاقی، نماد همان بهشتی است که به سبب گناه از دیدگان آدمی پنهان گردید اما بهشت گمشده برای کودک نیز به رغم بالغ نبودن وی دست یافتنی است و می تواند با رفتن به این محل بهشت را ببیند. در توصیف این بهشت گمشده می خوانیم: «بهشت گل، بهشت آب * بهشت روی زمینه * قشنگ ترین آب و هوا * تو کل دنیا همینه» (همان، ۱۰)؛ «شعر گفتن» نماد آزاد بودن و دل خوش داشتن: «توی بهشت گمشده * حسنی ما با دل خوش * خنده هاشون تو آسمون * پاشون تو آب چشمه بود * صدای آزادی بودن * شعرای تازه می سرود» (همان، ۷)؛ «پاشون تو آب چشمه بود» نماد قرار گرفتن در خوبی ها و پاکی ها: «خنده هاشون تو آسمون * پاشون تو آب چشمه بود» (همان، ۷)؛ «کل زدن» نماد خوشحالی و شادی؛ «قلب داغ بچه ها» نماد قلبی که از ناپاکی و آلودگی ملتهب و دردناک شده است؛ «بارون جل جل» نماد شستن ناپاکی ها از قلب های آلوده

به همراه سر و صدا (تغییر و تحول و پاک شدن با سر و صدا همراه است) و همچنین سریع و تند بودن است: «حسنی گله با شاپرک* دس توی دس کل می زدن* رو قلب داغ بچه‌ها* بارون جل جل می زدن» (همان، ۹).

۸. نوع نماد عبارت: «شهر شاه پریان» نماد مرسوم؛ «کارخانه قند»، نماد شخصی؛ «دلش گرفته بود»: نماد مرسوم؛ «صورتشو نهفته بود»: نماد مرسوم؛ «تو چشم اون نوشته بود»: نماد مرسوم؛ «دل پر»: نماد مرسوم؛ «شهر پر از دود نبین»: نماد شخصی؛ «بهشت گمشده»: نماد مرسوم؛ «شعر گفتن»: نماد مرسوم؛ «پاشون تو آب چشمه بود»: نماد شخصی؛ «کل زدن» - نماد مرسوم، «قلب داغ بچه‌ها»: نماد شخصی؛ «بارون جل جل»: نماد شخصی.

۹. نمادهای انسانی (مثبت): حسنی. ۱۰. نمادهای حیوانی (مثبت): شاپرک. ۱۱. نمادهای مادی (مثبت): باران، چشمه، «تو چشم اون نوشته بود»، «پاشون تو آب چشمه بود»، «بارون جل جل»، «کل زدن». ۱۲. نماد مادی (منفی): مرودشت، کارخانه قند، «دلش گرفته بود»، «صورتشو نهفته بود»، «شهر پر از دود نبین». ۱۳. نماد ماورایی واقعی (مثبت): «بهشت گمشده»، «شعر گفتن». ۱۴. نماد ماورایی واقعی (منفی): «دل پر»، «قلب داغ بچه‌ها». ۱۵. نماد ماورایی غیر واقعی (مثبت): «شهر شاه پریون».

۱۶. نتیجه: این داستان نمادین است و کودکان را با راهنمایی فرشته‌ای به نام شاپرک به بهشت گمشده مرودشت شیراز دعوت می‌کند تا زیبایی‌های الهی را ببینند و به عظمت آن پی ببرند و بفهمند برای دست یابی به خوبی‌ها می‌باید: راهنمای خوب، توانایی چشم بستن به روی ناپاکی‌ها و تلاش و کوشش داشته باشند.

۲-۵- حسنی شیخ دروغه، تاریکی ترس نداره

نویسنده داستان، لیلی یراقی، شاعر و نویسنده، متولد ۱۳۵۴ در شهر تبریز است و بیشتر در زمینه شعر نو فعالیت می‌کند.

۱. خلاصه داستان: حسنی هنوز شب‌ها کنار پدر و مادرش می‌خوابد. مادرش به او می‌گوید: «پسرم تو بزرگ شدی و باید شب‌ها در اتاق خودت بخوابی». در تاریکی اتاق حسنی، هر شب چیزی ظاهر می‌شود؛ یک شب شیخ، یک شب گول و شبی دیگر، خرس خرخرو. به محض روشن شدن چراغ اتاق، حسنی متوجه می‌شود که ترسش بی‌مورد است. سرانجام حسنی می‌فهمد چیزی به نام شیخ و لولو وجود ندارد و نباید از تاریکی ترسید.

۲. شخصیت اصلی: حسنی. ۳. شخصیت‌های فرعی: مادر حسنی، پدر حسنی، پدر بزرگ حسنی، شیخ، گول، خرس خرخرو. ۴. نمادهای واژه‌ای: حسنی، مادر حسنی، پدر حسنی، شیخ، گول، تاریکی. ۵. نمادهای واژه‌ای و مفهوم آن: حسنی، نماد آن دسته کودکان ایرانی است که از تاریکی ترس دارند و می‌ترسند شب‌ها تنها در اتاقشان بخوابند؛ مادر حسنی، نماد یک مادر ایرانی است که می‌خواهد مقدمات استقلال فرزندش را فراهم آورد؛ پدر حسنی، نماد پدری است که در کنار مادر عوامل استقلال فرزندش را آرام آرام فراهم می‌آورد؛ شیخ، نماد ترس؛ گول، نماد ترس؛ تاریکی، نماد عامل ایجاد ترس. ۶. نوع نمادهای واژه‌ای: حسنی: نماد مرسوم؛ مادر حسنی: نماد شخصی؛ پدر حسنی: نماد شخصی؛ شیخ: نماد طبیعی؛ گول: نماد طبیعی و تاریکی: نماد طبیعی. ۷. مفاهیم نماد عبارت: خرس خرخرو، نماد ترس. ۸. نوع نماد عبارت: خرس خرخرو: نماد شخصی. ۹. نمادهای انسانی (مثبت): حسنی، مادر حسنی، پدر حسنی. ۱۰. نماد مادی (منفی): تاریکی، خرس خرخرو. ۱۱. نماد ماورایی غیر واقعی (منفی): شیخ، گول.

۱۳. نتیجه: شیخ، گول، حیوانات وحشی و تاریکی همگی دلیل‌های ترس کودکان هستند. در این داستان خانم یراقی به خوبی توانسته به کودکان نشان دهد که شیخ و گول وجود ندارند و حیوانات وحشی در جنگل زندگی می‌کنند نه در خانه. تاریکی

هم ترس ندارد چون به محض روشن شدن چراغ اتاق، هیچ چیز ترسناک نیست؛ پس در تاریکی هم نباید آن چیزها ترسناک باشند. این داستان آموزنده عوامل ترس کودکان را برطرف می‌سازد و حس اعتماد به نفس و استقلال را تقویت می‌کند.

۲-۶- راز موجود عجیب (مژگان مشتاق، بهروز واثقی)

نویسنده داستان، مژگان مشتاق، متولد ۱۳۴۹ در اندیمشک است. او علاوه بر تحصیل در رشته فلسفه، دوره ادبیات داستانی را در حوزه هنری سپری کرد. نخستین کتاب او برای کودکان و نوجوانان «گلاب و پری دریایی» است که در سال ۱۳۷۴ منتشر شد. از این نویسنده تاکنون نزدیک به ۳۵ اثر در حوزه کودک و نوجوان راهی کتاب‌فروشی‌ها شده است. او همچنین با بهروز واثقی متولد ۱۳۵۸ آثار چاپی مشترکی دارد که در زمینه مضامین اخلاقی، تربیتی و اجتماعی است. از جمله می‌توان به کتاب‌های «پر طاووس و خرس‌های طمعکار» و «اردکی که مادرش را گم کرد» اشاره کرد. از بهروز واثقی آثاری در زمینه راهنمای آموزشی نیز به چاپ رسیده است.

۱. خلاصه داستان سیاوش، ناراحت است و علت ناراحتی او این است که علیرضا، دوست فلجش به رغم معلولیت جسمی، به خوبی نقاشی می‌کند ولی او نمی‌توانست زیبا نقاشی کند. مادر بزرگ برای او داستانی می‌گوید تا سیاوش به توانایی‌های خود پی ببرد؛ در آن داستان، عموی گيجولی، خرس کوچولو، از شخصیت‌های حیوانی و از مسافرت موجودی عجیب نام می‌آورد؛ این موجود نام خود را نمی‌داند و از توانایی‌های خود بی‌خبر است اما در پایان داستان، موجود عجیب می‌فهمد که می‌تواند به رنگ محیط درآمد و حشرات کوچک را با زبان کوچکش شکار کند. اگرچه عموی گيجولی نام این حیوان را نمی‌گوید ولی این موجود عجیب از این که توانسته به قدرت‌های خود پی ببرد بسیار خوشحال است. سرانجام ستاره خواهر سیاوش، نام موجود را می‌گوید و به سیاوش یادآور می‌شود که او - سیاوش - در درس ریاضی

قوی است. سیاوش نیز با شناخت خود و توانایی هایش بسیار خوشحال می شود. در ضمن داستان پی می بریم که ستاره به طبیعت علاقه دارد.

۲. شخصیت اصلی: سیاوش. ۳. شخصیت های فرعی: مادربزرگ (شهرزاد)، ستاره خواهر سیاوش، خرس کوچولو (گیجولی)، پدر گیجولی، عموی گیجولی، موجود عجیب. ۴. نمادهای واژه ای: مادربزرگ (شهرزاد)، ستاره خواهر سیاوش، خرس کوچولو (گیجولی)، پدر گیجولی، عموی گیجولی و موجود عجیب. ۵. مفاهیم نمادهای واژه ای: مادربزرگ شهرزاد، نماد تمام مادربزرگ های مهربان و دلسوزی که در تربیت کودکان از طریق داستان سرایی، نقش مهمی ایفا می کنند.

مادربزرگ ها و پدربزرگ ها، در داستان های کودکان نقش مرشد و هادی دارند. وجه تسمیه مادربزرگ به شهرزاد در این داستان، به شهرزاد قصه هزار و یک شب برمی گردد؛ آن شخصیت با داستان سرایی خود تمام دختران شهر را از مرگ نجات می دهد و دیدگاه پادشاه را نسبت به زن عوض می کند؛ سیاوش، نماد تمام کودکانی که توانایی هایش را نمی شناسند و از خود ناامید می شوند: «مادربزرگ دستی به شانه سیاوش زد و گفت: «پسر، چرا این قدر ناراحتی؟». سیاوش نگاهی به او کرد و با ناراحتی جواب داد: «چیزی نیست. من فقط از دست خودم عصبانی هستم چون نمی توانم خیلی از کارها را انجام دهم» (مشتاق و واثقی، ۱۳۹۰: ۳)؛ علی رضا، نماد تمام کودکان بااراده و پشتکار که با وجود معلولیت های جسمی، از تلاش و کوشش دست بر نمی دارند تا بهتر باشند و خوب زندگی کنند: امروز پیش علی رضا بودم. او فلج است اما با تمام مشکلاتی که دارد، نقاشی های قشنگی می کشد» (همان، ۵)؛ ستاره، نماد خواهری مهربان که به برادرش در شناخت توانایی هایش کمک می کند: «ستاره سرش را از روی پای مادربزرگ برداشت و گفت: مامان شهرزاد، علی رضا خوب نقاشی می کند اما سیاوش هم در درس ریاضی خیلی قوی است» (همان، ۱۸).

۶. نوع نمادهای واژه ای: سیاوش: نماد شخصی؛ مادر بزرگ شهرزاد: نماد مرسوم؛ علی رضا: نماد شخصی؛ ستاره: نماد شخصی. ۷. مفاهیم نماد عبارت: «موجود عجیب»، نماد تمام موجوداتی که از درک توانایی های خود عاجزند و سرانجام با قرار گرفتن در موقعیت های مختلف به توانایی های خود پی می برند؛ «تمرین کردن»، نماد شناختِ علاقه و شناخت شخصیت فیزیکی خود: «من مدتی پیش یک نی لبک هدیه گرفته ام. بهتر است کمی با آن تمرین کنم تا ببینم در این زمینه هم علاقه و استعداد دارم یا نه؟» (همان: ۱۸). ۸. نوع نماد عبارت: موجود عجیب: نماد شخصی؛ تمرین کردن برای شناخت علاقه: نماد مرسوم. ۹. نمادهای انسانی (مثبت): سیاوش، مادر بزرگ شهرزاد، علی رضا، ستاره خواهر سیاوش. ۱۰. نمادهای حیوانی (مثبت): موجود عجیب. ۱۱. نماد مادی (مثبت): «تمرین کردن» برای شناخت علاقه.

۱۲. نتیجه: در این داستان نمادین، نویسندگان در تلاشند تا کودکان به شناخت خود برسند. جمله ای روی صفحه اول کتاب است که هدف کلی این کتاب را بیان می کند: «شناخت خود: من با دیگران تفاوت دارم و باید توانایی های خود را بشناسم». نویسنده در پایان کتاب مطلبی با عنوان «راهنمای اولیا و مربیان» می آورد و اشاره می کند که منظور از شناخت، پیدا کردن آگاهی نسبت به چیزی است؛ برای مثال، شناخت انواع میوه ها یا مرکبات و شناخت انواع سنگ ها. این مفهوم برای موضوعات مختلفی کاربرد دارد اما در این داستان موضوع اصلی، شناخت خود است. روان شناسان خود را تقریباً معادل شخصیت در نظر می گیرند ولی این تعریف را می توان به خود فیزیکی یا جسمانی و خود روانی گسترش داد. در این داستان «خود»، نماد خود فیزیکی است.

۲-۷- شب به خیر امین کوچولو (زهرا مدنی)

نویسنده داستان، زهرا مدنی، نویسنده حوزه کودک، علاوه بر کتاب «شب به خیر امین کوچولو» با مضمون اخلاقی، کتاب های دیگری با مضامین داستان های حیوانات و

داستان‌های آموزنده دارد. از جمله می‌توان به کتاب «خرس ماهیگیر و هدیه رودخانه» اشاره کرد. از این نویسنده، کتاب «کتاب‌شناسی داستان‌های انقلاب ۱۳۷۷-۱۳۵۷» نیز به چاپ رسیده است که شامل کتاب‌شناسی داستان‌های بیست ساله انقلاب (امام، انقلاب و دفاع مقدس) است.

۱. خلاصه داستان: امین کوچولو شب‌ها به موقع نمی‌خوابد. از ساعت خرسی‌اش که زنگ ساعت نه شب را می‌زد، بدش می‌آمد. تنها دلخوشی او این بود که می‌توانست از پنجره اتاقش دو بچه گربه و مادرشان را که روی پشت بام همسایه خوابیده بودند ببیند اما با این حال، هر شب دیر به رختخواب می‌رفت. یک روز به دلیل ماجراهایی به موقع به خواب رفت و خواب عجیبی دید. شاید هم که خواب نبود، واقعیت بود و مراسم قبل از خواب اجرا شد. در این مراسم، تمام اسباب بازی‌ها برای به موقع خوابیدن امین هورا کشیدند و امین با تخت پرنده‌اش به سراغ بچه گربه‌ها رفت. آن‌ها از این که جایی برای خواب نداشتند، ناراحت بودند اما به حرف مادرشان گوش می‌دادند و به موقع می‌خوابیدند. خواب زیبایی بود و از آن شب به بعد امین کوچولو، سر ساعت نه، به اتاقش می‌رفت و می‌خوابید.

۲. شخصیت اصلی: امین کوچولو. ۳. شخصیت‌های فرعی: مادر امین کوچولو، بچه گربه‌ها.

۴. نمادهای واژه‌ای: امین کوچولو، مادر امین کوچولو، بچه گربه‌ها.

۵. مفاهیم نمادهای واژه‌ای: امین کوچولو، نماد تمام بچه‌های کوچک و بازیگوش که نمی‌خواهند به موقع بخوابند، تنهایی را دوست ندارند و مایلند یا کنار بزرگ‌ترها باشند و از نوازش آن‌ها بهره‌گیرند و یا کارهای بزرگ‌ترها را تقلید کنند: «حرف‌های مادر بی‌فایده بود و امین کوچولو دوست داشت کنار پدر و مادر و خواهر و برادرش بنشیند و به حرف‌هایشان گوش دهد، شیرین‌زبانی کند و پدر هم نوازشش کند و

بگوید: فردا وقتی از سر کار بر می‌گردم برایت یک عالمه خوراکی می‌خرم. دوست داشت فیلم‌های جنگی که آدم بزرگ‌ها با اسلحه در آن می‌جنگیدند نگاه کند. او هیچ وقت دلش نمی‌خواست تنها توی اتاق باشد و به در و دیوار نگاه کند تا خوابش ببرد» (مدنی، ۱۳۹۰: ۳)؛

- مادر امین، نماد تمام مادرانی که می‌خواهند کودکشان به موقع بخوابد و مناسب با سنش رفتار کند؛ بچه‌گره‌ها، نماد تمام موجوداتی که راحتی و آسایش انسان‌ها را ندارند و کودکان ما باید نسبت به موقعیت‌ها و نعمت‌هایی که دارند شکرگزار باشند: «بچه‌گره‌ها میو...میو کردند و به امین کوچولو گفتند: خوش به حالت که این تخت خواب و رخت خواب قشنگ و گرم و نرم را داری. ما حتی تشک هم نداریم و مجبوریم روی زمین بخوابیم» (همان، ۹).

۶. نوع نمادهای واژه‌ای: امین کوچولو: نماد شخصی؛ مادر: نماد مرسوم؛ بچه‌گره‌ها: نماد شخصی.

۷. مفاهیم نمادین عبارت: «ساعت خرسی»، نماد حساسیت کودکان به زمان خواب و دوست نداشتن زمانی که بزرگ‌ترها برای خواب آن‌ها تعیین می‌کنند؛ «مراسم قبل از خواب»، نماد خوبی، خوشی، تحقق آرزوها و خواب‌های خوش کودکان و مهم‌تر از آن، یافتن انگیزه‌ای برای به موقع خوابیدن. این مراسم شامل: پرنده شدن تخت خواب امین و به پرواز در آمدن آن و هورا کشیدن تمام اسباب‌بازی‌ها برای امین و به حرف در آمدن آن‌هاست. (همان، ۹-۸)؛ «مراسم خواب»، نماد همان موسیقی و نوای آرام بخش خواب‌های کودکان است: «ساعت خرسی گفت: خب ساعت ۹ است و صدای تیک تاکش درآمد. عروسک‌های داخل قفسه گفتند: موقع اجرای مراسم خواب است. رختخواب و پتو با هم گفتند: حالا دراز بکش! ما همگی برای تو لالایی می‌گوییم. تو هم آرام آرام چشمانت را ببند. امین کوچولو با خوشحالی گفت: باشد، و دراز کشید.

پتو را روی پاهایش انداخت؛ چراغ خواب گفت: قربان! در خدمتگذاری حاضریم و تا صبح به اتاق تاریکش نور پاشید. همه وسایل با هم گفتند: امین کوچولو! شب بخیر خواب های قشنگ ببینی. امین کوچولو لبخندی زد و گفت: متشکرم. بعد دست هایش را زیر گونه اش گذاشت و آرام گفت: شب بخیر دوستان عزیزم. همه به او شب به خیر گفتند و آرام و یک صدا شروع کردند به لالایی گفتن: لالالایی... لالالایی...» (همان، ۱۱).

۸. نوع نماد عبارت: «ساعت خرسی»: نماد شخصی؛ مراسم قبل از خواب»: نماد شخصی؛ «مراسم خواب»: نماد مرسوم.

۹. نمادهای انسانی (مثبت): مادر امین کوچولو. ۱۰. نماد انسانی متغیر: امین کوچولو.

۱۱. نمادهای حیوانی (مثبت): بچه گربه‌ها. ۱۲. نماد مادی (مثبت): ساعت خرسی. ۱۳. نماد ماورایی غیر واقعی (مثبت): «مراسم قبل از خواب»، «مراسم بعد از خواب».

۱۴. نتیجه: مطمئناً کودکان عزیز تحت تأثیر نماد امین کوچولو در این داستان زیبا و دلنشین قرار می‌گیرند و اگر شب های زیادی را زود نخوابند، بعد از خواندن این کتاب، آن شب را زود می‌خوابند.

۲-۸- ترس بد آست (داریوش صادقی و مریم ماستری)

داریوش صادقی، متولد ۱۳۵۴، نویسنده کتاب‌های راهنمای آموزشی در مضامین و مفاهیم اخلاقی، تربیتی و اجتماعی حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. از جمله آثار او می‌توان به «آتش نشانی»، «آب امانت است»، «آزادی زیباست» و «آسان بخوانیم» (ده داستان برای آبان و آذر) اشاره کرد. این نویسنده پرتلاش مقالاتی در زمینه راهنمای آموزشی نیز به چاپ رسانده است.

۱. خلاصه داستان: کتاب این گونه شروع می‌شود: «آن داستان ترس دارد. در آن داستان سوسمار آست. سوسمار دندان دارد. آن دندان ترس دارد. آن مرد در آب بود.

سوسمار آرام آرام در آب آمد. آن مرد در آب ماندن را دوست ندارد. آن مرد با ماندن در آب نابود است. آن مرد در دست تور دارد. آن مرد تور را بست. سوسمار در بند بود. آن مرد ترسو نبود. آن مرد دانا بود» (صادقی و ماستری، ۱۳۸۷: ۱۲-۱).

۲. شخصیت اصلی: مرد. ۳. شخصیت فرعی: سوسمار. ۴. نمادهای واژه‌ای: مرد، سوسمار. ۵. مفاهیم نمادهای واژه‌ای: مرد نماد دانایی و شجاعت. ۶. نوع نمادهای واژه‌ای: مرد: نماد شخصی؛ سوسمار: نماد طبیعی. ۷. نماد عبارت و مفهوم آن: دندان سوسمار: نماد ترس. ۸. نوع نماد عبارت: دندان سوسمار: نماد طبیعی. ۹. نمادهای انسانی (مثبت): مرد. ۱۰. نماد حیوانی (منفی): سوسمار.

۱۱. نتیجه: این کتاب زیبا به کلاس اولی‌ها احساس اعتماد به نفس می‌دهد چون آن‌ها به راحتی می‌توانند تمام کلمات ساده آن را بخوانند و از مفهوم قصه، آگاه شوند. در این داستان، باهوشی و شجاعت مرد، سبب از بین رفتن ترس می‌شود و مرد نجات پیدا می‌کند و به صورت نمادین به کودکان می‌آموزد باید شجاع و باهوش باشند. کتاب‌هایی که به زبان ساده و با نمادهایی ملموس، مفاهیم بزرگی را به کودکان می‌آموزند، زیبا و گیرا هستند. نمونه دیگر این گونه داستان‌ها، داستان «دیو و بهار» از مژگان مرادی کاونانی است (تهران: نوبهار، ۱۳۸۱).

۲-۹- تصادف (حاجیه سادات ادیب‌فر و زهرا منصوری)

نویسندگان داستان، حاجیه سادات ادیب‌فر و زهرا منصوری، مشترکاً و یا به طور مجزا آثار بسیاری در مضامین اخلاقی، تربیتی، بهداشتی، اجتماعی و دینی به حوزه ادبیات کودک و نوجوان ارائه داده‌اند؛ از جمله می‌توان به کتاب‌های «لبخند الهه»، «قاب عکس مادر»، «دندان درد»، «سفر من و بابام» و «خانه جدید» و بسیاری دیگر از کتاب‌های داستانی در حوزه ادبیات تعلیمی اشاره کرد.

۱. خلاصه داستان: نوجوانی جمعیتی را می‌بیند که دور کسی جمع شده‌اند. او

متوجه می شود پیرزنی تصادف کرده و راننده فراری است و صورت پیرزن در خون غرق شده است. نوجوان به همراه جمعیت به بیمارستان می رود. او نوجوان مهربانی است و هر روز به دیدن پیرزن می رود. پیرزن نمی تواند سخنی بگوید و سر و صورتش به طور کامل باندپیچی است. سرانجام باند را باز می کنند و نوجوان متوجه می شود که این پیرزن، مادر بزرگ خودش بوده است که برای دیدنشان از کرمان آمده است. وی خوشحال می شود و به همراه پدر و مادر، مادر بزرگ را به خانه می برند. مادر بزرگ خوب شده، فقط دستش شکسته و هنوز باندپیچی است. مادر بزرگ زن با ایمانی است ولی هنگام وضو، عجیب و غریب وضو می گیرد و این امر سبب کنجکاو و سؤال نوجوان می شود و مادر بزرگ برای نوجوان نحوه گرفتن وضوی جبیره ای را توضیح می دهد.

۲. شخصیت اصلی: نوجوان. ۳. شخصیت های فرعی: پیرزن، پدر نوجوان. ۴. نمادهای واژه ای: نوجوان، پیرزن، پدر نوجوان. ۵. مفاهیم نمادهای واژه ای: نوجوان، نماد یک پسر مهربان و دلسوز که مفهوم انسان دوستی را به خوبی می داند. در ضمن او نماد یک نوجوان کنجکاو نیز هست زیرا متوجه نکات ظریف می شود و در مورد آن ها پرسش می کند (ادیب فر و منصور، ۱۳۸۱: ۵)؛ پیرزن، نماد یک مادر بزرگ مهربان و با ایمان؛ پدر نوجوان، نماد یک پدر منطقی و عاقل. او وقتی نوجوانش در آن روز تصادف، دیر به خانه می آید و از جریان واقعه آگاه می گردد نه تنها پسرش را تنبیه نمی کند بلکه از او تعریف می کند (همان، ۳).

۶. نوع نمادهای واژه ای: نوجوان: نماد شخصی؛ پدر نوجوان: نماد مرسوم؛ مادر بزرگ: نماد مرسوم. ۷. نمادهای انسانی (مثبت): نوجوان، پدر نوجوان، مادر بزرگ نوجوان.

۸. نتیجه: در این داستان از نمادهای کمتری استفاده شده است اما همین نمادهای

کم، مؤثر و کارساز است. این گونه کتاب‌ها با هدف آموزش مفاهیم دینی برای کودکان سنین پایین نوشته می‌شوند. چنان که از پشت جلد کتاب چنین آمده است، «از آن جا که دانستن احکام و وظایف شرعی برای هر فرد مسلمان لازم و ضروری است، بهتر دیدیم که این آموزش‌ها را از سنین پایین آغاز کنیم. با توجه به این که بچه‌ها دارای روحی پاک و حساس هستند و روح لطیفشان همچون لوح سفیدی آماده فراگیری است چه بهتر که این لوح سفید با دانستن این مسائل پر شود. به همین منظور، مجموعه داستان‌های «گل مریم» سعی دارد با بیان داستان‌های زیبا و جذاب، کودکان و نوجوانان را با وظایف دینی خود آشنا سازد».

۳- نتیجه

از بررسی جداول بالا نتایج ذیل حاصل می‌شود:

۱- مفاهیم اخلاقی و تربیتی: تغییر، تلاش، کوشش، جستجوگری، پرهیز از عصبانیت، هدایت‌گری، آزادی، شناخت، اراده، تمرین، دانایی، شجاعت و کنجکاوی در ردیف‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۷، ۳۰، ۳۲، ۳۸، ۳۹ و ۴۱ با مجموع بسامد ۲۸۵، بیشترین کاربرد را داشته است؛ این مفاهیم بیشتر در داستان‌های: چه کسی پنیرم را برداشت؟ (با بسامد ۱۰۰)، راز موجود عجیب (با بسامد ۶۵) و ترس بد است (با بسامد ۶۰) بیان شده است.

۲- مفاهیم احترام و مهربانی به بزرگ‌ترها در ردیف‌های ۱۰، ۱۱، ۴۰ با مجموع بسامد ۹۰ در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد و در داستان‌های «احترام به بزرگان» و «تصادف» بیشتر به کار رفته است.

۳- مفاهیم مهر و منطق‌پدیری در ردیف‌های ۳، ۱۲، ۲۶ و ۴۳ با مجموع بسامد ۸۰ در مرتبه بعدی است که بیشتر در داستان‌های حسنی چرا مسواک نمی‌زنی؟، احترام به

بزرگ‌ها، حسنی شیخ دروغه تاریکی ترس نداره و تصادف بیان شده است. از بررسی نمادهای داستان‌های یاد شده نتایج ذیل به دست آمده است: از ۶۴ نماد بررسی شده، نماد واژه با فراوانی ۵۴/۶۹٪ و از بین نمادهای طبیعی، شخصی و مرسوم، نماد شخصی با فراوانی ۶۴/۰۶٪ بیشتر به کار رفته است. فراوانی نمادهای دیگر به ترتیب عبارت است از: نماد انسانی (مثبت) ۲۵/۰۰٪؛ نماد مادی (مثبت) ۱۸/۷۵٪؛ نماد مادی (منفی) ۱۲/۵۰٪. این داستان‌ها اغلب مفاهیم حس اعتماد به نفس و استقلال، توانایی شناخت استعدادهای خود و آموزش مسائل دینی به کودکان را به خوبی انتقال داده اند که به ترتیب در آثار زیر بسامد بیشتری داشته است:

- ۱- داستان «چه کسی پنیرم را برداشت؟» نوشته اسپنسر جانسون با مجموع بسامد ۱۰۰ در انتقال مفهوم حرکت، تغییر، هوش و دانایی. ۲- داستان «راز موجود عجیب» از مزگان مشتاق و بهروز واثقی با بسامد ۶۵ در انتقال مفاهیم شناخت شخصیتی، تمرین برای رسیدن به توانایی‌های خود، اراده و پشتکار. ۳- «داستان ترس بد است» نوشته داریوش صادقی و مریم ماستری با بسامد ۶۰ در انتقال مفاهیم دانایی و شجاعت.
- در این میان، داستان «چه کسی پنیرم را برداشت؟» در انتقال مفاهیم نمادین عالی انسانی بیشتر و موفق‌تر عمل کرده است.

بسامد مفاهیم اخلاقی و تربیتی نمادین در نه اثر داستانی

ردیف	مفاهیم نمادین	بسامد	ردیف	مفاهیم نمادین	بسامد
۱	ناگزیری از لغزش و اشتباه	٪۱۵	۲۳	ترس	٪۴۰
۲	مهر مادری	٪۱۵	۲۴	تاریکی	٪۳۰
۳	دلسوزی پدری	٪۱۵	۲۵	مهر مادری	٪۱۵
۴	نصیحت و اندرزگویی	٪۱۵	۲۶	دلسوزی پدری	٪۱۵
۵	رعایت بهداشت دهان و دندان	٪۴۰	۲۷	شناخت شخصیتی	٪۴۰
۶	تغییر لازم حرکت است.	٪۴۰	۲۸	تجربه و دلسوزی مادر بزرگی	٪۲۰
۷	تلاش و کوشش	٪۲۵	۲۹	مهر خواهری	٪۵
۸	فکر و اندیشه	٪۲۵	۳۰	ارده و پشتکار معلولان جسمی	٪۱۰
۹	پرهیز از عصبانیت و ساده لوحی	٪۱۰	۳۱	ناامیدی به دلیل نشناختن خود	٪۱۵
۱۰	احترام به بزرگ ترها	٪۳۰	۳۲	تمرین برای دستیابی به توانای های خود	٪۱۰
۱۱	مهربانی با بزرگ ترها	٪۳۰	۳۳	به موقع خوابیدن کودکان	٪۴۰
۱۲	منطق و مهربانی پدری	٪۲۵	۳۴	مهر مادری و علاقه به حرف شنوی کودکان	٪۲۰
۱۳	غیر منطقی بودن بعضی زنان	٪۱۵	۳۵	یافتن انگیزه ای برای حرف شنوی از بزرگ ترها	٪۲۰
۱۴	حس جستجوگری	٪۲۰	۳۶	لالایی های کودکانه	٪۲۰
۱۵	هدایت گری	٪۱۰	۳۷	بد بودن ترس	٪۴۰
۱۶	شهر خوبی ها	٪۱۰	۳۸	دانایی	٪۳۰
۱۷	شهر بدی ها	٪۱۰	۳۹	شجاعت	٪۳۰
۱۸	پاکی ، لطافت و روشنایی	٪۱۰	۴۰	مهربانی با بزرگ ترها(مادر بزرگ)	٪۳۰
۱۹	شر و بدی	٪۱۰	۴۱	کنجکاوای	٪۳۰
۲۰	ناراحتی و غمگینی	٪۱۰	۴۲	ایمان و دین داری	٪۲۵
۲۱	آزادی	٪۱۰	۴۳	منطق پدری	٪۲۵
۲۲	خستگی و دل زدگی	٪۱۰			

انواع نمادهای موجود در نه اثر داستانی

ردیف	نوع نماد	تعداد	ردیف	نوع نماد	تعداد
۱	نماد واژه	۳۵	۱۲	نماد حیوانی (مثبت)	۵
۲	نماد عبارت	۲۹	۱۳	نماد حیوانی (منفی)	۱
۳	نماد طبیعی	۸	۱۴	نماد حیوانی (متغیر)	-
۴	نماد شخصی	۴۱	۱۵	نماد مادی (مثبت)	۱۲
۵	نماد مرسوم	۲۳	۱۶	نماد مادی (منفی)	۸
۶	نماد انسانی (مثبت)	۱۶	۱۷	نماد ماورایی واقعی (مثبت)	۵
۷	نماد انسانی (منفی)	-	۱۸	نماد ماورایی واقعی (منفی)	۲
۸	نماد انسانی (متغیر)	۳	۱۹	نماد ماورایی غیر واقعی (مثبت)	۳
۹	نماد گیاهی (مثبت)	۲	۲۰	نماد ماورایی غیر واقعی (منفی)	۳
۱۰	نماد گیاهی (منفی)	-	۲۱	کل نمادها (واژه و عبارت)	۶۴
۱۱	نماد گیاهی (متغیر)	-			

نمادهای واژه ای موجود در نه اثر داستانی

ردیف	نماد واژه	ردیف	نماد واژه	ردیف	نماد واژه
۱	حسینی	۱۲	مادربزرگ (شهرزاد)	۲۳	تاریکی
۲	پدر حسینی	۱۳	سیاوش	۲۴	امین کوچولو
۳	مادر حسینی	۱۴	علی رضا	۲۵	مادر امین کوچولو
۴	استیف	۱۵	ستاره	۲۶	بچه گربه ها
۵	اسکوری	۱۶	شاپرک	۲۷	مرد
۶	هم	۱۷	مرو دشت	۲۸	سوسمار
۷	هاو	۱۸	باران	۲۹	نوجوان
۸	احسان	۱۹	گل	۳۰	پیرزن (مادربزرگ)
۹	پدر	۲۰	چشمه	۳۱	پدر نوجوان
۱۰	مادر	۲۱	شیخ		
۱۱	پدر بزرگ	۲۲	غول		

نمادهای عبارت موجود در نه اثر داستانی

ردیف	نماد عبارت	ردیف	نماد عبارت
۱	کرم دندان	۱۶	شهر پر از دود نبین
۲	پنیر جادویی	۱۷	بهشت گمشده
۳	وقتی پنیر داری، خوشحالی	۱۸	شعر گفتن
۴	اگر نمی ترسیدی، چه کار می کردی؟	۱۹	پاشون تو آب چشمه بود
۵	وقتی دیگر نترسی، احساس خوبی خواهی کرد.	۲۰	کل زدن
۶	هرچه پنیرت زودتر تمام شود، زودتر پنیر جدیدتر را خواهی یافت.	۲۱	قلب داغ بچه ها
۷	فکر کردن به پنیر جدید، کمک مهمی برای پیدا کردن آن است.	۲۲	بارون جل جل
۸	سعی کن پنیر را بو کنی تا بفهمی کهنه شده است یا نه؟	۲۳	خرس خرخرو
۹	پنیرهای جدید را پیدا کن و از آن ها لذت ببر.	۲۴	موجود عجیب
۱۰	شهر شاه پریان	۲۵	تمرین کردن برای شناخت علاقه
۱۱	کارخانه قند	۲۶	ساعت خرسی
۱۲	دلش گرفته بود	۲۷	مراسم قبل از خواب
۱۳	صورتشو نهفته بود	۲۸	مراسم خواب
۱۴	تو چشم اون نوشته بود	۲۹	دندان سوسمار
۱۵	دل پر	۳۰	

منابع

- ۱- ادیب فر، حاجیه سادات؛ منصور، سیده زهرا. (۱۳۸۱). تصادف، قم: خوشرو.
- ۲- جانسون، اسپنسر. (۱۳۸۳). چه کسی پنیرم را برداشت؟، ترجمه سید رضا افتخاری، تهران: بامشاد.
- ۳- صادقی، داریوش؛ ماستری، مریم. (۱۳۸۷). ترس بد است، تهران: کتاب نیستان.
- ۴- صادقی، مجتبی. (۱۳۸۱). حسنی و شاپرک در بهشت گمشده، مرودشت: فاتحان

راه دانش.

- ۵- صبوری، محمدرضا. (۱۳۸۶). *آی حسنی چرا مسواک نمی زنی؟*، تهران: دانش پناه.
- ۶- قلانی، بهزاد. (۱۳۸۹). *احترام به والدین*، تهران: راقم.
- ۷- مدنی، زهرا. (۱۳۹۰). *شب بخیر امین کوچولو*، مرودشت: فاتحان راه دانش.
- ۸- مشتاق، مژگان؛ واتقی، بهروز. (۱۳۹۰). *راز موجود عجیب*، تهران: ابوعطا.
- ۹- میرصادقی، جمال. (۱۳۹۰). *عناصر داستان*، تهران: سخن.
- ۱۰- نظری دارکوبی، محمدرضا. (۱۳۹۱). *راهنمای داستان نویسی*، تهران: آریابان.
- ۱۱- یراقی، لیلا. (۱۳۸۴). *حسنی شیخ دروغه تاریکی ترس نداره*، تهران: آفتاب مهتاب.